خبر

انتشار مجموعه هفت مثنوی

مجموعه موسیقایی «هفت مثنوی» به روایت مجید کیانی، از تازه‌ترین آثار منتشرشده در حوزه موسیقی کلاسیک ایرانی است که در روزهای گذشته، با اجرای مرتضی غزنوی و بر پایه اشعار مولانا، در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. معرفی، ابوعطا، چهارگاه، شور، افشاری و ماهور، بیات اصفهان قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند. مرتضی غزنوی که طی دهه‌های اخیر در زمینه آواز و خوانندگی فعالیت داشته است، درباره این اثر می‌نویسد: «باید کاری، هرچند کوچک، برای خودمان انجام دهیم تا با دیدن این اوضاع و احوال دچار افسردگی نشویم. با همین نگاه، تصمیم گرفتیم هفت مثنوی را به روایت استاد مجید کیانی ارائه کنیم.» البته استاد در مورد قالب شعری مثنوی، تعریف مثنوی و اهداف و اهمیت آن در موسیقی دستگاهی مفصل بحث کرده‌اند، به‌ویژه این‌که معتقدند مثنوی اول تا پنجم یعنی از مثنوی شور تا مثنوی ماهور برای اجرای موسیقی انتخاب شده و مثنوی‌های ششم و هفتم داستان عاشق‌شدن شاه بر کنیزک را بیان می‌کند. انتشار هفت مثنوی می‌تواند هنرجویان و علاقه‌مندان موسیقی دستگاهی را به شنیدن و فراگیری این اثر ترغیب کند و آنان را به حفظ ظرایف و دقایق این میراث اصیل فرهنگی و هنری کشورمان سوق دهد.

یادداشت

دکتر محمدهادی فلاح‌زاده | رئیس دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

دانشگاه قلب تپنده تمدن نوین اسلامی

نقش دانشگاه در آینده کشور و چندوچون اثرگذاری‌اش در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی همچنین موضوع مهم کرسی آزاد اندیشی از محورهای ثابت در بیانات رهبر شهید [و از مطالبات مستمرشان] است....

برای واکاوی این داده و رسیدن به پاسخی بسزا، از یک پارادایم رایج جهانی باید عبور کنیم، از (دیدگاه یا) پارادایمی که دانشگاه را به مثابه بنگاه تولید سرمایه انسانی یا کارخانه مهارت‌آموزی (درراستای نیازهای) بازارکار ارزیابی می‌کند.

این تقلیل‌گرایی اما در منظومه فکری رهبرشهید انقلاب، به شدت طرد می‌شود. دانشگاه از افق ایشان، مغز متفکر و قلب تپنده جریان فرهنگی جامعه است. تمدن نوین اسلامی به باور ایشان، با انسان تمدن‌ساز و نرم‌افزار علمی بنا می‌گردد، نه با آهن و آجر و سیمان. بنابراین، آنچه که میان علم و دانشگاه نسبت واقعی برقرار می‌سازد، نسبتی کاملا فرهنگی و البته هستی‌شناختی (یا هستی‌شناسانه) است.

دانشگاه در نگاه متعارف، مرکز تولید داده و فناوری (تکنولوژی) است. اما علم، در تحلیل راهبردی رهبر انقلاب، هویت‌ساز است و سبک زندگی را پدید می‌آورد. وقتی ایشان از نهضت تولید علم یا جهاد تبیین در دانشگاه سخن می‌گویند، در واقع در حال انجام یک رهبری فرهنگی هستند. زیرا ایشان به‌خوبی دریافته‌اند که غرب، تنها با فروش تکنولوژی بر جهان مسلط نشده، بلکه با انحصار تولید علم، سبک تفکر و سبک زندگی خود را صادر کرده.

استقلال علمی، یک پروژه صرفا اقتصادی یا امنیتی نیست؛ بلکه حیاتی‌ترین بخش استقلال فرهنگی است. تصمیمات سیاسی سخت ایشان در حمایت از دانشمندان هسته‌ای، نانو یا سلول‌های بنیادین، دقیقا بر همین مبنا استوار بوده.

اما ظریف‌ترین خواست رهبر شهید که کمتر فهمیده شده، تأکید بی‌بدیل ایشان بر کرسی‌های آزاداندیشی است. آزادی بیان در دانشگاه از نگاه رایج برخی و در برخی نگره‌های فرهنگی سلبی، یا یک تهدید محسوب شده یا صرفا یک سوپاپ اطمینان سیاسی است.

اما از منظر رهبری فرهنگی ایشان، کرسی‌های آزاداندیشی یک ضرورت معرفتی و تربیتی است.

(به عنوان یک مشاهده‌گر نقل به مضمون می‌کنم) در جلسه‌ای، برخی از مسئولان به دلیل حاشیه‌سازی یا تضاد آرا در دانشگاه، می‌گفتند کنترل فضا و یکدست‌سازی ذهنی دانشجویان ضروری است.

اما همین‌که رهبر شهید انقلاب از این رویکرد (و رویکردهای این‌چنینی آگاه می‌شدند، نقل به مضمون می‌کنم) می‌فرمودند:

دانشگاهی که در آن تقابل اندیشه‌ها تحمل نشود، دانشگاه نیست، پادگان است. ذهن دانشجو را شنیدن نقدها واکسینه می‌کند، نه محدودیت سانسور. ایشان می‌دانند که باور تحمیلی شکننده است و یقین عقلانی تنها در کوره تقابل آزادانه اندیشه‌ها ساخته می‌شود.

همین رویکرد، کلید رمزگشایی از رهبری فرهنگی ایشان است. و البته کرسی‌های آزاداندیشی، تمهید ایشان است برای تبدیل شدن دانشجو از مصرف‌کننده منفعل ایدئولوژی به کنشگر عقلانی، پرسشگر و متقن.

این دقیقا همان تربیت انسانی است که شایسته ساختن یک تمدن بزرگ است؛ انسانی که نه از سر عادت، بلکه از سر انتخاب آگاهانه در این مسیر گام برداشته است.

کاپیتولاسیون نوین در حاشیه خلیج فارس

حجت‌الاسلام دکتر احمد رهدار: حضور آمریکایی‌ها در منطقه و برخورداری آنها از امتیازات، معافیت‌ها و مصونیت‌های خاص را باید نوعی «کاپیتولاسیون نوین» دانست

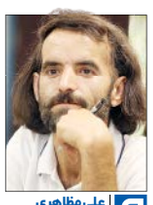

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

حضور آمریکا در منطقه از منظر سرزمینی فقط به استقرار نیروهای نظامی یا چند پایگاه مشهور محدود نیست، بلکه شبکه‌ای چندلایه است که از حضور دیپلماتیک و سرزمینی آغاز می‌شود و تا پایگاه‌های نظامی، صنایع نظامی، شرکت‌های اقتصادی و حتی سهامداری در شرکت‌های متعلق به کشورهای دیگر امتداد پیدا می‌کند. بنابراین وقتی می‌گوییم آمریکا باید از منطقه خارج شود، منظور فقط خروج سربازان یا تخلیه چند پایگاه نظامی نیست؛ مسأله، مجموعه‌ای از اشکال حضور آمریکاست که در جغرافیای کشورهای منطقه تثبیت شده است. برای فهم دقیق این موضوع، این لایه‌ها را جداگانه با استاد برجسته و صاحب‌نظر حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر احمد رهدار بررسی کردیم تا روشن شود آمریکا دقیقا در کجا حضور دارد، چه میزان از جغرافیا و امکانات منطقه را در اختیار گرفته و این حضور چگونه به یک شبکه به‌هم‌پیوسته تبدیل شده است.

اگر بر ضرورت خروج آمریکا از منطقه تأکید می‌شود، باید روشن کرد که منظور دقیقا کدام شکل از نفوذ آمریکاست و این وضعیت از چه سازوکارهایی شکل گرفته است.

حضور آمریکا را در بحث ژئوپلیتیک اشغال از منظر سرزمینی فقط (نه سایر ابعاد معنایی جغرافیای سیاسی) در هفت لایه می‌توان نشان داد. نخستین لایه، حضور سرزمینی و دیپلماتیک آمریکا در قالب سفارتخانه‌ها و اماکن وابسته به آنهاست. اصل وجود سفارتخانه در روابط بین‌الملل امری طبیعی است، اما ابعاد این حضور در منطقه موضوع بحث است.

حضور سفارتخانه‌های آمریکا مگر متعارف نیست؟

وجود سفارتخانه در روابط بین‌الملل امری معمول است؛ اما ابعاد حضور آمریکا در این اماکن و مجموعه‌ها با الگوی متعارف نمایندگی‌های دیپلماتیک همخوانی ندارد.

برای مثال، در اوج حضور نظامی آمریکا در عراق، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰، حدود ۱۵۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در این کشور حضور داشتند. در همان دوره، شمار دیپلمات‌های مستقر در سفارت آمریکا در بغداد نیز به حدود ۱۵ هزار نفر می‌رسید. این ۱۵ هزار نفر، جدا از نیروهای نظامی و پیمانکاران اقتصادی و مجموعه‌های دیگر فعالیت می‌کردند. بنابراین، حضور دیپلماتیک یکی از لایه‌های حضور آمریکا در منطقه است که در برخی موارد، از ابعاد متعارف یک سفارتخانه فراتر می‌رود.

در روابط دیپلماتیک، اصل وجود سفارتخانه‌ها و اماکن دیپلماتیک میان کشورها امری پذیرفته‌شده است، اما تناسب و عرف روابط متناظر است؟ یعنی در دو کشور باید همسان باشد؟! مثلا انگلیس در تهران باغ قلهک را علاوه بر سفارت دارد، اما ایران هم در لندن دارای چنین باغستانی هست؟!

حضور سرزمینی آمریکا در برخی موارد، از نظر وسعت و امکانات، با ظرفیت حضور کشورهای منطقه در خاک آمریکا تناسب ندارد. بنابراین، برای بررسی این حضور باید مجموعه اماکن و ظرفیت جغرافیایی آن را در نظر گرفت، نه‌فقط عنوان رسمی «سفارتخانه» را.

حضور آمریکا در سطح نظامی آیا واقعا طبق باور رایج فقط در چند پایگاه معروف آمریکاست؟

خیر. لایه دوم حضور آمریکا، پایگاه‌های نظامی این کشور است؛ اما تصویر عمومی از آن با واقعیت بزرگ‌ترش تفاوت دارد. باور رایج مردمی دراین‌باره محدود است به مثلا پایگاه العدید در قطر، علی‌السالم در کویت یا پایگاه ناوگان پنجم در بحرین و چند مرکز مهم دیگر. اما شبکه استقرار نظامی آمریکا بسیار گسترده‌تر از عدد ۱۹ است؛ زیرا برخی از این مراکز از نظر وسعت جغرافیایی، تأسیسات و کارکرد، ابعاد بسیار قابل‌توجهی دارند.

برای نمونه، مساحت قطر حدود ۱۲ هزار کیلومترمربع است؛ تقریبا در مقیاس استان قم. بااین‌حال، فقط پایگاه العدید که یکی از چند پایگاه قطری آمریکاست، مجموعه‌ای بزرگ را در بر گرفته و از نظر مقیاس، یک استان و نیم قطر است.

در کویت فقط یک پایگاه حدود ۲۰۰ هکتار و پایگاه دیگری حدود صد هکتار وسعت دارد. این ارقام با توجه به مساحت محدود کشورهای منطقه، اهمیت جغرافیایی این حضور را روشن‌تر می‌کند. بنابراین، وقتی از خروج آمریکا از منطقه سخن می‌گوییم، نباید صرفا به چند نام مشهور یا چند پایگاه مشخص توجه کنیم. باید کل شبکه را دید که لایه دوم حضور آمریکاست. تصور رایج این است که آمریکا پایگاهی در منطقه ایجاد می‌کند، تجهیزات و نیازهای آن را در داخل آمریکا می‌سازد و سپس با هواپیما یا کشتی به منطقه می‌فرستد.

اما ساختار حضور آمریکا به این سادگی نیست. بخشی از زنجیره صنعتی، لجستیکی و پشتیبانی این حضور در خود کشورهای منطقه مستقر شده است. لایه سوم، شرکت‌ها و صنایع نظامی و پشتیبانی‌کننده این حضور است. در کشورهای حوزه خلیج‌فارس، حدود ۸۰ شرکت صنعتی و نظامی آمریکایی فعالیت دارند. برخی از این شرکت‌ها مجموعه‌های کوچک نیستند؛ بعضی از آنها زمین و تأسیسات قابل‌توجهی در اختیار دارند و در حوزه‌هایی مانند تولید تجهیزات، انبارداری، دپو، لجستیک و پشتیبانی فعالیت می‌کنند.

در نتیجه، وقتی درباره حضور نظامی آمریکا حرف می‌زنیم، باید فراتر از خود پایگاه‌ها را ببینیم. پایگاه بدون شبکه تأمین، انبار، تولید، تعمیر، لجستیک و پشتیبانی نمی‌تواند چنین حضوری را حفظ کند. بخشی از این زیرساخت در داخل کشورهای منطقه ایجاد شده است.

پس شبکه حضور آمریکا در منطقه فقط ماهیت نظامی ندارد و بخش اقتصادی و تجاری آن نیز بخشی از همین ساختار است.

بخش اقتصادی، لایه چهارم این حضور است. در کشورهای حوزه خلیج‌فارس، صدها شرکت اقتصادی آمریکایی فعالیت می‌کنند که الزاما ماهیت نظامی ندارند و در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تجاری و خدماتی فعال هستند. این شرکت‌ها از مجموعه‌های بزرگ با تأسیسات و انبارهای وسیع تا شرکت‌های کوچک‌تر را شامل می‌شوند. بنابراین، حضور اقتصادی آمریکا نیز صرفا به فعالیت‌های مالی و تجاری محدود نمی‌شود؛ در مواردی، این شرکت‌ها خود دارای ساختمان، زمین، انبار، کارکنان و زیرساخت‌های فیزیکی هستند و به این ترتیب، بخشی از حضور جغرافیایی آمریکا را تشکیل می‌دهند. اما لایه پنجم، شرکت‌هایی هستند که مستقیما آمریکایی نیستند، بلکه به کشورهای دیگری مانند چین، هند یا انگلستان تعلق دارند؛ بااین‌حال، بخشی از سهام آنها در اختیار سرمایه‌گذاران آمریکایی است. در چنین مواردی، ممکن است از نظر حقوقی متعلق به کشوری دیگر باشند، اما حضور سهامداران آمریکایی را باید نشانه‌ای از نفوذ این کشور بدانیم. این لایه به‌دلیل پراکندگی و تنوع مالکیت، به‌مراتب دشوارتر به شمارش و آمار درمی‌آید.

وجود سفارتخانه در روابط بین‌الملل امری معمول است؛ اما ابعاد حضور آمریکا در این اماکن و مجموعه‌ها با الگوی متعارف نمایندگی‌های دیپلماتیک همخوانی ندارد

لایه ششم حضور آمریکا در چه حوزه‌هایی قابل ردیابی است؟

لایه ششم حضور آمریکا را در منطقه باید در زیرساخت‌های اقتصادی خود این کشورها جست‌وجو کرد؛ زیرساخت‌هایی مانند فرودگاه‌ها، پل‌ها، جاده‌ها و به‌ویژه زیرساخت‌های حوزه انرژی، نفت، گاز و معادن. برای مثال، همه سهام فرودگاه دبی در اختیار امارات نیست و ۳۰ درصد آن متعلق به آمریکاست. در بسیاری از پروژه‌های بزرگ زیرساختی منطقه نیز شرکت‌های آمریکایی در ساخت، سرمایه‌گذاری، مدیریت، فناوری یا سهامداری حضور داشته‌اند و دارند.

نفوذ در زیرساخت‌ها یعنی آمریکا ظاهرا محدودیتی ندارد؟

دقیقا، لایه هفتم حضور آمریکا در این منطقه، در مراکز علمی و دانشگاهی است. برای نمونه، چهار دانشگاه آمریکایی در قطر وجود دارد. در دیگر کشورهای منطقه نیز دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی با الگوها و مشارکت‌های آمریکایی فعالیت می‌کنند. مثل دانشگاه آمریکایی بغداد. برای درک بهتر ابعاد این دانشگاه، می‌توان آن را با دانشگاه جامع ملی هند در دهلی با ۷۵۰ هزار دانشجو مقایسه کرد. دانشگاه آمریکایی بغداد، با وجود شمار بسیار کمتر دانشجو ۱۰ تا ۱۵ هزار دانشجو، از نظر وسعت زمین و مجموعه دانشگاهی سه‌برابر دانشگاه جامع ملی هندوستان است.

بنابراین، حضور آمریکا در حوزه علمی نیز به دانشگاه‌های بزرگ محدود نمی‌شود؛ مراکز علمی کوچک‌تر، اندیشکده‌ها، مؤسسات پژوهشی و «ان جی او»ها نیز بخشی از این شبکه‌اند.

برای مجموع این هفت لایه اگر یک نسبت جغرافیایی تعیین کنید، چه تصویری به چشم مخاطبان می‌آید؟

اگر مجموع مساحت این هفت لایه جغرافیایی را با کل سرزمین کشورهای حوزه خلیج‌فارس مقایسه کنیم، براساس این برآورد، این مساحت با احتساب بیابان‌ها حدود ۱۵ درصد از خاک این کشورها را تشکیل می‌دهد. اما اگر بیابان‌ها را از محاسبه جدا کنیم، این نسبت در بعضی از کشورها تا حدود ۴۰ درصد مساحت خاک کشور می‌رسد؛ چراکه هیچ‌یک از این هفت لایه حضور آمریکا در منطقه در بیابان‌های این کشورها متمرکز نیست، بلکه عمدتا در مناطق حیاتی، شهری و راهبردی قرار دارند.

برای مثال، بحرین فقط حدود ۸۷۸ کیلومترمربع مساحت دارد؛ یعنی حتی هزار کیلومترمربع هم نیست. در مقابل، مساحت ایران حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومترمربع است. بنابراین، وقتی درباره کشوری مانند بحرین صحبت می‌کنیم، حتی اختصاص بخش محدودی از سرزمین آن به تأسیسات و حضور خارجی، از نظر نسبت جغرافیایی عدد قابل‌توجهی خواهد بود. در این چارچوب، ادعای مطرح‌شده این است که حدود ۴۰ درصد خاک بحرین درگیر این شبکه حضور آمریکاست؛ عددی که البته برای استفاده پژوهشی و رسانه‌ای باید براساس تعریف دقیق هریک از هفت لایه و داده‌های قابل استناد محاسبه و مستند شود.

آیا مسأله فقط به مساحت زمین‌هایی که آمریکا در آنها حضور دارد محدود می‌شود؟

خیر. نکته مهم‌تر این است که این هفت لایه فقط به معنای اشغال یا در اختیار داشتن یک قطعه زمین نیست. در برخی موارد، موضوع سفارت و اماکن دیپلماتیک مطرح است؛ در برخی دیگر پایگاه نظامی و در موارد نیز شرکت اقتصادی، سرمایه‌گذاری، سهامداری، زیرساخت، دانشگاه یا مرکز علمی. بنابراین باید توجه داشت که این هفت لایه از نظر حقوقی و اقتصادی یکسان نیستند. آنچه آنها را به هم مرتبط می‌کند، گستره حضور آمریکا در بخش‌های مختلف جغرافیای کشورهای منطقه است.

چرا در اینجا میان «خاک کشور» و «مصونیت دیپلماتیک» تفاوت می‌گذارید؟

سفارتخانه از نظر حقوق بین‌الملل، خاک کشور فرستنده محسوب نمی‌شود، اما اماکن مأموریت دیپلماتیک از مصونیت ویژه برخوردارند و دولت میزبان نمی‌تواند بدون رضایت رئیس مأموریت وارد آنها شود. بنابراین، اگر درباره هفت لایه حضور آمریکا صحبت می‌کنیم، باید دقیق باشیم و میان مالکیت سرزمینی، مالکیت اقتصادی، حق استفاده، حضور نظامی و مصونیت دیپلماتیک تفاوت بگذاریم.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

تجسمی

پنجمین حراج هنرهای ایرانی اسلامی

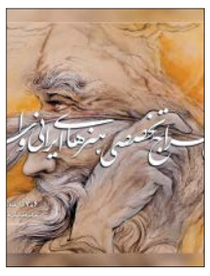

پنجمین حراج تخصصی هنرهای ایرانی و اسلامی «باران» پس از هفت سال در پاسداشت میراث جهانی خوشنویسی به عرصه هنر بازگشت. حراج باران بر بنیاد سنتی اصیل و شریف، همواره ادای دینی بوده است به قامت‌های استوار خوشنویسی ایران از میرعماد حسنی، درویش عبدالمجید طالقانی و میرزا غلامرضا اصفهانی تا یادمان جاودان محمدحسین عمادالکتاب قزوینی. اینک در پنجمین ایستگاه، حراج باران افق دید خود را گسترش داده است؛ چراکه به پاس پیوند ناگسستنی اقلام شش‌گانه خوشنویسی با عوالم سحرانگیز نگارگری، افزون بر شاهکارهای خط، آثاری نفیس از عرصه نگارگری ایران نیز زینت‌بخش این دوره خواهد بود. دراین دوره، اثر نگارگری «پَرِ سوم» جایگاهی ویژه و حکمت‌آمیز دارد؛ اثری نمادین که یادآور پر رازآلود سیمرغ و روایتگر آگاهی، امید و رستاخیز دوباره در اندیشه و خرد ایرانی است؛ تجسمی از آن نیروی پاینده که در دل چالش‌ها خاموش نمی‌شود و نوزاییِ فرهنگی را بشارت می‌دهد.

رویداد

میادین پایتخت میزبان آثار فیلم مقاومت

تعدادی از آثار نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در روزهای برگزاری جشنواره، در برخی از فرهنگسراها و میادین پایتخت اکران خواهند شد. علاوه بر اکران آثار خبری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در خانه جشنواره، تعدادی از فرهنگسراهای شهر تهران و میادین محل تجمع ملت مبعوث نیز میزبان آثار جشنواره نوزدهم خواهند بود. براین اساس، فرهنگسرای ابن‌سینا در منطقه ۲، فرهنگسرای ارسباران و رسانه در منطقه ۳، فرهنگسرای اشراق در منطقه ۴، فرهنگسرای فردوس در منطقه ۵، فرهنگسرای اندیشه در منطقه ۷، فرهنگسرای گلستان در منطقه ۸، فرهنگسرای عطار و انقلاب در منطقه ۱۰، فرهنگسرای خاوران در منطقه ۱۵ و فرهنگسرای سپهبد شهید قاسم سلیمانی در منطقه ۱۷، آثار بخش‌های مختلف جشنواره را روی پرده خواهند برد. همچنین، میادین اصلی و محل تجمع‌های شبانه اهالی پایتخت همچون میادین ولیعصر (عج)، انقلاب، جمهوری، ابوذر، بریانک و هلال احمر نیز شاهد پخش آثار جشنواره نوزدهم مقاومت خواهند بود.

آگهی مزایده عمومی فروش نقدی
۵،۰۰۰ تن شمش فولادی گرید 3SP 150*150
شماره GI/05/A100-154
شرکت توسعه و تجارت گل گهر
Golgohar Development and Trade Company

شرکت توسعه و تجارت گل گهر در نظر دارد میزان ۵،۰۰۰ تن شمش فولادی گرید 3SP 150*150 تولیدی شرکت جهان فولاد سیرجان را از طریق برگزاری مزایده عمومی با ترم تحویل EXW درب انبار کارخانه واقع در سیرجان با نحوه نقدی به فروش برساند. متقاضیان محترم می توانند از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ می توانند جهت دریافت اسناد مزایده با ارسال معرفی نامه معتبر در قالب PDF با ذکر شماره تماس و ایمیل به آدرس Rebar@golgohar-id.com
جهت دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند. مدت دریافت پیشنهادات در پاکات مهر و موم شده در بسته به همراه معرفی نامه تا ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ و تاریخ بازگشایی همان روز بدون حضور شرکت‌کنندگان می باشد. لازم به ذکر است تحویل پاکات به نشانی: تهران، خیابان گاندی جنوبی، خیابان شهید علی شهاب (یازدهم)، پلاک ۲ طبقه ۳، دبیرخانه شرکت توسعه و تجارت گل گهر صورت می پذیرد.
جهت دریافت اطلاعات بیشتر به وب سایت شرکت توسعه و تجارت گل گهر به نشانی www.gdtco.ir مراجعه فرمائید.
شماره تماس: ۸۷۷۰۰۵۱۹-۰۲۱، داخلی ۵۰۹

آگهی مزایده عمومی
فروش ۴۰،۰۰۰ تن گندله
شماره GDTCO/05/A100-155
شرکت توسعه و تجارت گل گهر
Golgohar Development and Trade Company

شرکت توسعه و تجارت گل گهر در نظر دارد میزان ۴۰،۰۰۰ تن گندله تولیدی شرکت صنعتی و معدنی گل گهر را از طریق برگزاری مزایده عمومی، با ترم تحویل EXW مطابق اینکوترمز ۲۰۲۰ درب کارخانه تولید کننده واقع در انبار تولید کننده و با نحوه تسویه نقدی به فروش برساند. متقاضیان محترم می‌توانند از روز ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ جهت دریافت اسناد مزایده با ارسال معرفی نامه معتبر در قالب PDF با ذکر شماره تلفن و ایمیل به نشانی Commercial@golgohar-id.com
نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند. مهلت تحویل پیشنهادات در پاکات دربسته و مهر و موم شده، به همراه معرفی‌نامه معتبر، تا ساعت ۱۱ روز ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ و تاریخ بازگشایی پاکات همان روز بدون حضور شرکت کنندگان می باشد. لازم به ذکر است تحویل پاکات به نشانی: تهران، خیابان گاندی جنوبی، خیابان شهید علی شهاب (یازدهم)، پلاک ۲، طبقه ۳، دبیرخانه شرکت توسعه و تجارت گل گهر صورت می پذیرد.
جهت دریافت اطلاعات بیشتر به وب سایت شرکت توسعه و تجارت گل گهر به نشانی www.gdtco.ir مراجعه فرمائید.
شماره تماس: ۸۷۷۰۰۵۱۹-۰۲۱، داخلی ۵۱۰

سازمان آگهی‌های روزنامه جام جم
شماره تلفن پذیرش ۴۹۱۰۵۰۰۰